

# بررسی تاثیر سیاست‌های پولی بر رضایت از زندگی در کشورهای D8

سعیده صمدزاد<sup>۱</sup>

میرعباس هاشمی<sup>۲</sup>

## چکیده

در سال‌های اخیر مطالعات حوزه اقتصاد شادی به دلیل کاربرد زیاد در تعیین شاخصی مطمئن برای اندازه‌گیری میزان رفاه افراد جامعه، زمینه‌کاری بسیاری از محققان قرار گرفته است. این تحقیقات به دلیل اتکا به پرسشنامه‌های استاندارد و با سنجش حالات درونی افرادی که در جوامع نقش بازیگر اقتصادی را بر عهده دارند نتایج قابل اعتمادی را حاصل می‌کنند.

این پژوهش به بررسی تاثیر سیاست‌های پولی از کانال بیکاری و تورم بر میزان رضایت از زندگی افراد کشورهای D8 پرداخته و از تکنیک اقتصادسنجی پنل پرویت ترتیبی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با اجرای سیاستی پولی انبساطی میزان رضایت از زندگی افراد جامعه‌ی D8 به دلیل trade-off بین تورم و بیکاری افزایش می‌یابد. بدین مفهوم که در این جوامع افراد خواستار کاهش بیکاری بوسیله سیاست‌های دولت و بانک مرکزی می‌باشند حتی اگر این سیاست‌ها منجر به افزایش تورم شود. دلیل این امر به عواملی مانند جمعیت جوان و جویای کار در این جوامع و همچنین بار روانی بیکاری علاوه بر سطح قدرت خرید باشد، به طوری که فرد بیکار علاوه بر مشکلات اقتصادی، بار روانی بعد اجتماعی معضل بیکاری را نیز احساس می‌کند.

**واژگان کلیدی:** سیاست‌های پولی، رضایت از زندگی، بیکاری، تورم

**JEL Classification:** A13, E24, E31, E52, I31

---

<sup>۱</sup> سعیده صمدزاد (نویسنده مسئول): هیت علمی پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی جهاد دانشگاهی تبریز (ACECR)، گروه مدیریت توسعه (saeede.samadzad@gmail.com)

<sup>۲</sup> میرعباس هاشمی: دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه ارومیه (mahashemi\_20@yahoo.com)

# The Effect of Monetary Policy on Life - Satisfaction in D8 Countries

Saeideh Samadzad<sup>3</sup>

MirAbbas Hashemi<sup>4</sup>

## Abstract

During the recent years, happiness economy researches have been the work field of most of the researchers because of its important role in defining the secure index for measuring the welfare level of the society. The researches have gained reliable results as they were based on standard questionnaires and evaluated the internal feeling of individuals who operate as economic actors in the society.

This study analyses the impact of monetary policy through unemployment and inflation on life - satisfaction level of people in D8 countries. In this study, sequential probit panel econometrics technique is implemented and the results show by performing the expanding monetary policy the life-satisfaction level of the people in D8 society increases due to the trade-off between unemployment and inflation, which means in these communities people demand the unemployment reduction via the governmental and central bank policy even if these policies lead to an increases in inflation. The reason to this originates from factors like the young and job seeking population and also the psychological burden of unemployment in addition to the purchase power level in a way that the unemployed withstands the social dimension of psychological burden of unemployment apart from economic difficulties.

**Keywords:** Monetary Policy, life - satisfaction, Inflation, Unemployment

**JEL Classification:** A13, E24, E31, E52, I31

---

<sup>3</sup> Faculty Members, Department of Development Management, ACECR Development and Planning

<sup>4</sup> Phd Student in Economics, Urmia University

## ۱- مقدمه

در اکثر کشورها رشد اقتصادی اصلی‌ترین ملاک عملکرد دولت‌ها به حساب می‌آید. اما در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران به سمت ارتباط بین رفاه ذهنی و عوامل اقتصادی معطوف شده است. این تحقیقات به بررسی چگونگی تأثیر مفاهیم اقتصادی مادی مانند تورم، بیکاری، ثروت و... بر میزان رضایت از زندگی افراد می‌پردازد و تأثیرپذیری مطلوبیت افراد جامعه از تغییرات این فاکتورها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. پیشینه این مطالعات را می‌توان به استرلین نسبت داد که در بررسی ۲۰ ساله وضعیت اقتصاد ایالات متحده به این نتیجه رسید که با وجود رشد اقتصادی، میزان شادی افراد تغییر چندانی نکرده است. این موضوع به تناقض استرلین (۲۰۰۳) معروف شد، هرچند این نظریه بعداً توسط سایر اقتصاددانان نقض گردید اما سرآغاز توجه محققان به مباحث اندازه‌گیری میزان رضایت از زندگی افراد جامعه شد (لی و لو، ۲۰۰۹<sup>۵</sup>). مطالعات مختلف نشان از این دارد که میزان رضایت از زندگی افراد از اهمیت ویژه‌ای در عملکردهای اقتصادی برخوردار است (بلانچ فلاور و همکاران، ۲۰۱۴<sup>۶</sup>).

در این میان از دید استوارت میل دولت نیز وظایف گسترده‌ای در جهت تأمین رفاه جامعه و کم کردن فاصله بین طبقات اقتصادی دارد. وی معتقد است سیاست‌های دولت باید در جهت کاهش نابرابری‌های اجتماعی و تأمین عدالت باشد برای اینکه برای هر فرد جامعه تنها لذت اقتصادی مطرح نیست و عواملی همچون آزادی، شرافت و ... نیز مطرح است. بر این اساس، تعقیب شادی و نفع شخصی، بر خلاف نظر بنتام، به تأمین شادی و منفعت جمعی نمی‌انجامد؛ بلکه دولت باید از طریق مداخله اقتصادی، از تأثیر نابرابری‌های اجتماعی بکاهد و زندگی را برای توده مردم تحمل‌پذیر سازد؛ بنابراین، اصل «تأمین شادی و سعادت برای حداکثر مردم»، خود مستلزم دخالت اقتصادی دولت است. تحت این شرایط اطلاع هر چه بیشتر دولت از تأثیر سیاست‌های خود و یا بانک مرکزی که بر اساس شاخص‌های جامعه‌شناسی - اقتصادی سنجیده می‌شوند در برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند کمک بسیاری می‌کند (اوردیگی و مانیر، ۲۰۱۹<sup>۷</sup>). در همین راستا و به دلیل اینکه در سال‌های گذشته مطالعات انجام شده در زمینه شناخت آثار و پیامدهای سیاست‌های پولی در کشور ایران و اکثر کشورهای دیگر بیشتر بر تأثیرگذاری صرف این سیاست‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی، متمرکز شده بود و هدف این مطالعات فقط بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر میزان بیکاری، تورم و... به عنوان تأثیر این سیاست‌ها بر یک شاخص اقتصادی بنا نهاده شده بود و مطالعه از بُعد بررسی تأثیرگذاری سیاست پولی اجرا شده بر میزان رضایت از زندگی افراد بسیار اندک است، این مطالعه سعی در بررسی تأثیر این سیاست‌ها بر یک شاخص اجتماعی یعنی رضایت از زندگی دارد. اطلاع از تأثیرگذاری تغییرات بیکاری و تورم ناشی از سیاست‌های پولی بر روی رضایت از زندگی، سیاستگذار را در انتخاب و اجرای درست سیاست پولی بهینه‌یاری خواهد کرد. بنابراین این پژوهش با بررسی داده‌های پرسشنامه‌های خودسنجی در کشورهای D8 به دنبال مشخص

<sup>5</sup> Li and Lu

<sup>6</sup> Blanchflower et al

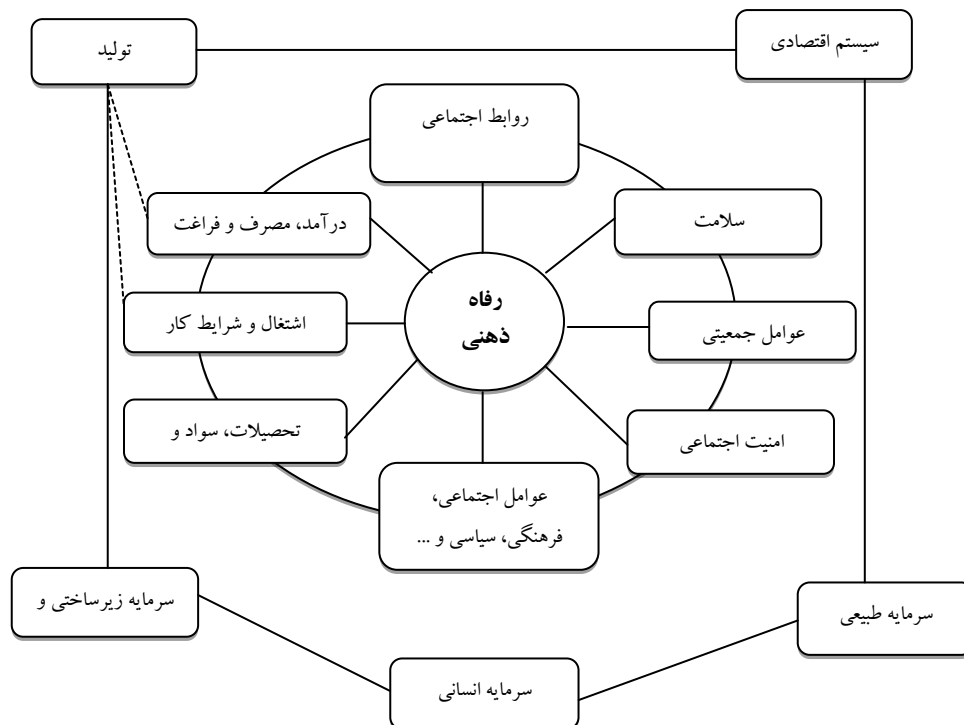
<sup>7</sup> Ouardighi and Munier

کردن تاثیر اجرای این سیاست‌ها بر کاهش یا (افزایش) متغیرهای بیکاری و تورم و به دنبال آن تاثیر بر میزان رضایت خاطر و احساس شادی افراد این جوامع می‌باشد. بر این اساس چارچوب مقاله به گونه‌ای است که پس از مقدمه در بخش دوم تحقیق، در بخش سوم مبانی نظری و پیشینه تحقیق، در بخش چهارم برآورد مدل و در پایان نیز نتیجه‌گیری ارائه گردیده است.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- رضایت از زندگی یا رفاه ذهنی (شادی)

عوامل بسیاری بر رفاه ذهنی افراد تأثیرگذار هستند. رفاه ذهنی حاصل از برآیند اثرات همه عوامل مؤثر در زندگی فرد اعم از فاکتورهای شخصی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... می‌باشد. تمامی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی افراد از فرآیند تغییرات اجتماعی تأثیر می‌پذیرند. فرآیند تغییرات اجتماعی براساس مطالعه مانترائوینوس، نورث و شریق، از واقعیات آغاز شده و با اثرگذاری بر باورها، در نهایت نتیجه آن در واقعیات منعکس می‌شود اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که بازخورد نوع تفسیر ذهن انسان از این تغییرات و اینکه انسان‌ها چگونه به این تغییرات واکنش نشان می‌دهند، برای محققان روشن نیست، اما مدل‌های موجود علم اقتصاد قادر به تبیین بعد احساسی و ذهنی انسان نمی‌باشد. از این نظر بررسی فاکتورهای روحی، روانی و احساسی نقش مهمی را در شناسایی افکار انسان برای انجام انواع انتخاب‌ها، ایفا می‌کند.



شکل ۱- عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی افراد

Source: May, 2007

## ۲-۲- رابطه‌ی بیکاری با شادی

در ابتدا باید بیان کرد که بیکاری با تأثیرگذاری بر شخصیت نیروی کار رفاه ذهنی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و امنیت روانی و به دنبال آن رفاه ذهنی فرد را کاهش می‌دهد. کلارک و اسوالد (۱۹۹۴) در تحقیقی نشان دادند که تأثیر منفی بیکاری و یا از دست دادن شغل بر روی رفاه ذهنی نیروی کار به مراتب بیشتر از سایر فاکتورهای تأثیرگذار در زندگی افراد همچون طلاق و جدایی و ... است (بلانچ فلاور و همکاران، ۲۰۱۴). اثر منفی نرخ بیکاری کل بر نیروی کار بیشتر از بیکاری خود فرد است، به عبارت دیگر میزان استرس و نارضایتی که فرد از شنیدن میزان بیکاری در کشور به دست می‌آورد به مراتب بیشتر از احساس استرس زمانی است که خود فرد بیکار باشد یعنی تأثیرپذیری افراد از وضعیت کل جامعه بیشتر از وضعیت زندگی خود فرد است و همچنین آرگایل معتقد است بیکاری و ترس از نداشتن شغل یکی از مهم‌ترین منابع ناشادی در دنیای مدرن امروز است، البته نه صرفاً به این دلیل که افراد بدون شغل پول کمتری دارند که خرج کنند، بلکه به این دلیل که کیفیت زندگی فرد بیکار به شدت نزول پیدا می‌کند، چرا که او احساس می‌کند از جمع رانده شده است و کسی به او اعتنایی ندارد و عزت نفس خود را از دست می‌دهد. نگاه به بیکاری به عنوان یک مشکل صرفاً مالی برای کسانی که از آن متأثر شده‌اند هزینه وارده بر فرد و جامعه را به شدت کمتر از واقع برآورد می‌کند و به دو دلیل باور به دنیای عادلانه و نگرانی بابت آینده‌ی شغلی خویش افرادی که دارای شغل هستند را هم تحت تأثیر قرار داده و رفاه ذهنی آنها را کاهش می‌دهد که این موجب کاهش میانگین شادی جامعه می‌شود. در ادامه مطالعات در این زمینه آندرو اسوالد اقتصاددان انگلیسی در مطالعات خود به این نتیجه رسید که الف) پول شادی می‌آورد ولی اثر آن محدود بوده و در مواردی به لحاظ آماری معنی‌دار نیست. ب) بیکاری به ویژه زمانی که با از دست رفتن منبع درآمد همراه باشد افراد را ناشاد می‌کند (اوردینگی و مانیر، ۲۰۱۹).

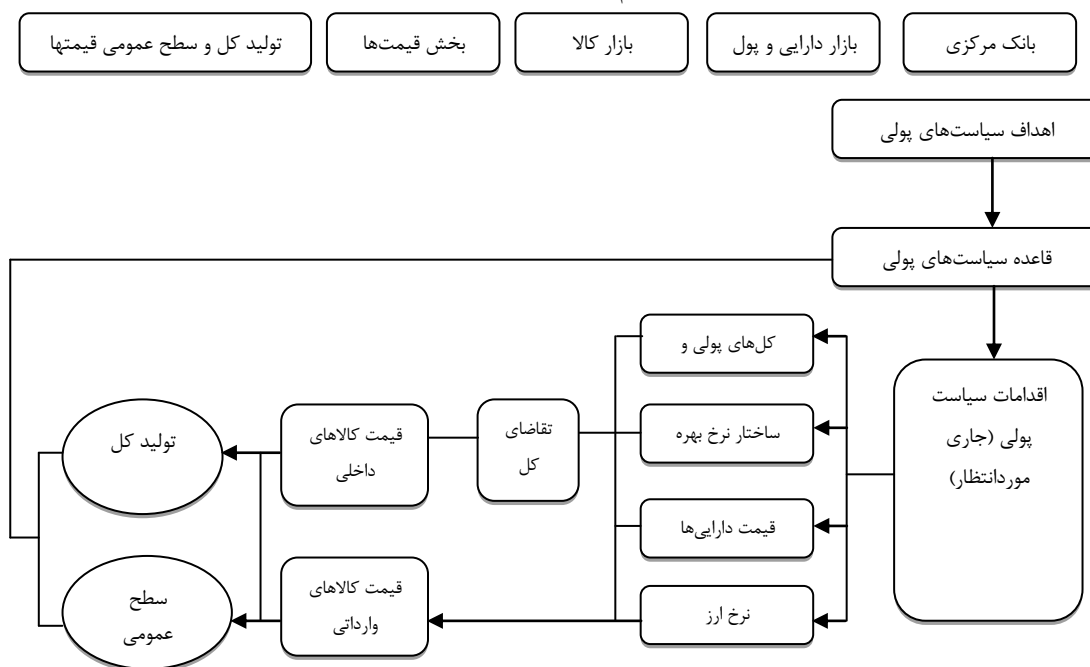
## ۲-۳- رابطه تورم با شادی

بورديو بیان می‌کند که در واقع موقعیت هر فرد بر حسب حجم و نوع امکانات زندگی مشخص می‌شود و جایگاه آنان را ابتدا در خانواده و سپس در جامعه تعیین می‌کند به همین دلیل است که اکثر افراد به مانند ارسطو بر این باورند که ثروت و توانایی ذهنی فرد برای خرید و تأمین آنچه نیاز دارد یکی از عناصر ضروری شادی می‌باشد و افراد با توان بالا بیش از افراد با توان پایین شاد هستند (بلانچ فلاور و همکاران، ۲۰۱۴). تحقیقات نشان می‌دهد وضعیت عینی و مادی زندگی از طریق رفاه و سعادت بر رضایت از زندگی افراد تأثیرگذار است و افراد بر خوردار شادترند. نکته مهمی که در همه تحقیقات نشان داده می‌شود این است که میزان حد معینی پول، شرط لازم ولی ناکافی برای شادی است چرا که کاهش درآمد و یا قدرت خرید (به سبب افزایش تورم) از یک حدی که قابل محاسبه می‌باشد نیازهای حیاتی فرد را تهدید می‌کند و در این حالت رضایت و کیفیت زندگی فرد شدیداً تحت تأثیر قرار می‌گیرد (شن و کوگان، ۲۰۲۰). به طور نمونه در کشور هند پایین آمدن قدرت خرید تهدیدکننده نیازهای اساسی زندگی است و تأثیر روانی آن بر افراد بسیار بیشتر از کشوری پیشرفته است که این کاهش خرید بر اوقات فراغت و یا پس‌انداز فرد تأثیر می‌-

گذارد و البته تأثیر افزایش قدرت خرید نیز در حالت معکوس تأثیر متقارن دارد و فرد با برخورداری کمتر را بیشتر شاد می‌کند (منصف و همکاران، ۱۳۹۸). البته در این راستا فرض بر این است که آنها قضاوت خوبی از کل کیفیت زندگی خود دارند.

## ۲-۴- ساز و کار انتقال پولی

سازوکار انتقال پولی، یکی از حوزه‌های اقتصاد پولی است که به دو دلیل، اهمیت مطالعاتی فراوانی در هر برهه از زمان دارد. اول اینکه، فهم چگونگی تأثیر سیاست پولی بر اقتصاد، به منظور ارزیابی نوع و نحوه اعمال سیاست، در هر لحظه از زمان ضروری است. حتی اگر بانک مرکزی، ابزارهای اندکی برای اعمال سیاست‌های پولی داشته باشد، این گونه سیاست‌ها به دلیل آثاری که بر سایر بازارهای مالی، همچون سهام و اوراق قرضه دارد، منشأ اثر واقع می‌شود. دلیل دوم این است که برای انتخاب نوع و اندازه ابزار سیاست پولی، سیاستگذار پولی، بایستی ارزیابی دقیقی از زمانبندی و آثار سیاست‌های اعمالی خود داشته باشد (کميجانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۱). تأثیر سیاست پولی بر تورم و بیکاری از کانال تغییر حجم پول و تغییر نرخ بهره قابل بررسی است، تغییر در نرخ بهره با تأثیرگذاری بر سرمایه‌گذاری می‌تواند بر تولید و اشتغال (بیکاری) موثر باشد و در عین حال تغییر حجم پول هم می‌تواند نرخ تورم را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال اگر فرض بر این باشد که بانک مرکزی قصد اجرای سیاست پولی انبساطی را دارد، که از پیامدهای احتمالی آن افزایش تورم و کاهش بیکاری است بنابراین برای کاهش هر چه بیشتر تأثیرات منفی اجرای سیاست لازم است اجرا کنندگان سیاست بدانند که افراد جامعه‌ی هدف نسبت به افزایش تورم حساسترند و یا افزایش بیکاری و کدامیک از این دو فاکتور اقتصادی احساس رضایت از زندگی آنها را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد، چون همواره رضایت از زندگی و احساس شاد بودن مردم یک هدف و ضمن آن وظیفه برای دولت‌هاست.



شکل ۱- ساز و کار انتقال پولی در هنگام اجرای سیاست پولی

منبع: کمیجانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۱

### ۳- پیشینه تحقیق

بلانچفلور و همکاران (۲۰۱۴)<sup>۸</sup> در مطالعه‌ای به بررسی trade – off شادی بین بیکاری و تورم می‌پردازند. نتایج مطالعات آنان نشان می‌دهد که ۱ درصد افزایش در بیکاری بیش از ۵ برابر از افزایش ۱ درصدی در تورم موجب کاهش رضایت از زندگی و شادی افراد می‌شود. آگان و همکاران (۲۰۱۶)<sup>۹</sup> در تحقیقی، اثر متغیرهای اصلی اقتصاد کلان مانند بیکاری، تورم و درآمد سرانه را بر شادی مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه از متوسط شادی محاسبه شده برای مردم ۵۶ کشور طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۸ به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد، بیکاری و تورم باعث کاهش شادی در سطح کلان شده و درآمد سرانه، اثر مثبت دارد. گریفند و لوئیس<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۸) به مطالعه و بررسی تاثیر آزاد سازی اقتصادی و نابرابری درآمدی بر شاخص رضایت از زندگی (شادی) نمودند. نتایج حاصل از مطالعات آنان که با استفاده از داده‌های پانل ۲۱ کشور عضو OECD صورت گرفته است نشان می‌دهد آزاد سازی اقتصادی، نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. همچنین نابرابری درآمدی تاثیر منفی بر رضایت از زندگی دارد. چن و هو<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۸) به بررسی تاثیر بیکاری بر رضایت از زندگی مردم در یک رویکرد مقایسه‌ای بین کشورهای انگلیس، آلمان، ایالات متحده آمریکا و کانادا پرداختند. نتایج حاصل از مطالعات آنان نشان می‌دهد که بیکاری رضایت از زندگی افراد را کاهش می‌دهد. اوردیگی و مانیر (۲۰۱۹)<sup>۱۲</sup> در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین تورم، بیکاری و شادی در بین کشورهای اروپایی پرداختند. نتایج حاصل از مطالعات آنان نشان می‌دهد بیکاری و تورم هر دو بر میزان رضایت از زندگی افراد در کشورهای اروپایی تاثیر گذار است و این ارتباط بصورت منفی است. شن و کوگان (۲۰۲۰)<sup>۱۳</sup> به بررسی تاثیر بیکاری بر میزان رضایت از زندگی بین دو گروه از افراد (مهاجران و افراد بومی هر کشور) در کشور انگلیس پرداختند. نتایج حاصل از مطالعات آنان نشان می‌دهد که بیکاری و از دست دادن درآمد به میزان زیادی رضایت از زندگی افراد را کاهش می‌دهد. این کاهش در بین افراد مهاجر به مراتب بیشتر از افراد بومی کشور است. از دیگر مطالعات صورت گرفته در این زمینه می‌توان به مطالعات هاربی و گرلیو<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۲)، روپراه و لئنگاس (۲۰۱۱)<sup>۱۵</sup> و ... اشاره نمود.

خورسندی و علی بابایی (۱۳۹۵)، اثر بیکاری و تورم بر شادی را به عنوان شاخص رفاه مورد برآورد قرار داده‌اند. این برآورد در دو نمونه از داده‌های پانل انجام می‌شود. نتایج نشان می‌دهد بیکاری نقش مؤثرتری در کاهش شادی و رفاه دارد. گودرزی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی وضع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در میزان رضایت از زندگی در

<sup>8</sup> Blanchflower et al

<sup>9</sup> Agan et al

<sup>10</sup> Graafland and Lous

<sup>11</sup> Chen and Hou

<sup>12</sup> Grolleau

<sup>13</sup> Ruprah & Luengas

بین زنان ۱۵-۵۴ ساله در ایران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد نابرابری در عدم رضایت از زندگی در گروه فقیر جامعه متمرکز شده است و این نابرابری در استان‌های مختلف متفاوت است. متغیرهای اجتماعی - اقتصادی از عوامل تاثیرگذار بر نابرابری در رضایت از زندگی در زنان است. جلیلی کامجو و نادی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به ارزیابی رابطه بین نابرابری درآمد و نابرابری شادی در ایران پرداختند. نتایج نشان داد که نابرابری توزیع درآمد تاثیر غیر خطی آستانه‌ای بر نابرابری شادی دارد. میکائیلی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی نقش عوامل اجتماعی اقتصادی - مؤثر بر شادی (مطالعه موردی جمعیت فعال شهر تهران) پرداختند. بر اساس نتایج بین انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی، میزان درآمد خانوار و سن با شادی رابطه مثبت معناداری مشاهده شد. بر اساس دیگر نتایج بین میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، جنسیت و وضعیت تأهل افراد با شادی رابطه معناداری وجود نداشت. منصف و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب با استفاده از رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل پرداختند. نتایج پژوهش، رابطه شادی با درآمد سرانه، سلامت، مصرف، مخارج دولتی و آزادی اقتصادی را مثبت و رابطه شادی با نابرابری درآمد، تورم و بیکاری را منفی نشان می‌دهد. زروکی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای اثر شکاف نرخ ارز و نامتقارنی تورم و بیکاری بر نابرابری درآمد را بررسی نمودند. برای این منظور با اتکا به داده‌ها در دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۶ از رهیافت خودتوضیحی با وقفه‌های توزیعی غیرخطی در برآورد الگو استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بیکاری در قالب خطی تنها در بلندمدت اثر مثبت (نامطلوب) بر نابرابری درآمد دارد. در قالب غیرخطی در کوتاه‌مدت، کاهش‌ها در بیکاری اثر مثبت (مطلوب) بر نابرابری دارد. همچنین از دیگر مطالعات صورت یافته در این زمینه نیز می‌توان به مطالعات خورسندی و عزیزی (۱۳۹۴)، مجاوریان و همکاران (۱۳۹۳)، محمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) و ... اشاره نمود.

#### ۴- روش‌شناسی تحقیق

##### ۴-۱- اطلاعات آماری و معرفی مدل

مطالعه حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است و به لحاظ تجزیه و تحلیل از نوع تحقیقات تحلیلی است و با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی اجیت - پرویت ترتیبی سعی شده است تاثیر سیاست‌های پولی بر میزان رضایت از زندگی افراد کشورهای منتخب D8 سنجیده شود. در این مطالعه از ۵ کشور منتخب ایران، مصر، ترکیه، مالزی و اندونزی در مجموع ۴۰۰۰ نفر به صورت مساوی و تصادفی انتخاب شده‌اند. به عبارت بهتر از هر کشور ۵۰۰ نفر از داده‌های سایت پیمایش‌های جهانی به صورت کاملاً اتفاقی انتخاب شده‌اند. لازم به توضیح است که به دلیل قرابت فرهنگی در بین کشورهای اسلامی و برای کنترل بیشتر عوامل تاثیرگذار غیراقتصادی بر نتیجه تحقیق جامعه آماری این مطالعه کشورهای گروه D8 می‌باشد. به دلیل اینکه داده‌های مطالعه از پرسشنامه‌های سایت معتبر پیمایش ارزش‌های جهانی استخراج شده است. با توجه به اینکه داده‌های این تحقیق به صورت پرسشنامه‌ای می‌باشد برای تخمین آن از



مدل‌های انتخاب گسسته و به دلیل ماهیت رتبه‌ای داده‌ها از روش‌های ترتیبی<sup>۱۴</sup> استفاده خواهد شد. مدل پایه‌ای این تحقیق از مطالعه انجام شده روپراه و لیثنگاس (۲۰۱۱) می‌باشد و به فرم زیر است.

$$Life - Sat_{ci} = B_1um_{ci} + B_2inf_{ci} + B_{microvar}_{ic} + country\ fixed\ effects + \varepsilon_{ic}$$

که در آن *life - sat* نشان دهنده میزان رضایت فرد آم از استان ام می‌باشد که رتبه‌بندی ۱ تا ۱۰ را شامل می‌شود به این صورت که رتبه ۱ کمترین و ۱۰ بیشترین اعلام رضایت فرد از زندگی خود می‌باشد *um* نرخ بیکاری کشور را نشان می‌دهد، برای اینکه هدف پژوهش بررسی ارتباط سیاست پولی بر شادی است و همچنین وجود مواردی چون اعتقاد به دنیای عادلانه، ترس فرد شاغل از بیکاری در آینده به هنگام بحران، بیکاری کل کشور در نظر گرفته شده است. *Inf* نرخ تورم کشور است. *microvar* که داده‌های خرد درباره فرد می‌باشد، مواردی که در این تحقیق در نظر گرفته می‌شود عبارت است از جنسیت، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، سن افراد. در این قسمت از تحقیق به ارائه آمار و اطلاعات مربوط به متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود. جدول ۱ خلاصه‌ای از اطلاعات مهم آورده شده است. در این جدول میانگین، انحراف معیار، حداکثر و حداقل داده‌ها بیان شده‌اند.

جدول ۱: خلاصه آماری داده‌ها

| متغیر          | میانگین | انحراف معیار | حداقل | حداکثر |
|----------------|---------|--------------|-------|--------|
| رضایت از زندگی | ۳.۲۴    | ۰.۹۶۵        | ۱     | ۹      |
| تورم           | ۱۰.۰۵   | ۵۸۵۱         | ۱     | ۱۸     |
| بیکاری         | ۳.۴۵    | ۷.۳۹         | ۳     | ۱۲     |
| سن             | ۳۶.۲۸   | ۱۴.۲۲        | ۱۵    | ۸۹     |
| تحصیلات        | ۳.۲۴    | ۱.۰۰         | ۱     | ۴      |
| تاهل           | ۱.۶۳    | ۰.۵۵         | ۱     | ۲      |
| جنسیت          | ۱.۴۳    | ۰.۴۹         | ۱     | ۴      |

منبع: یافته‌های تحقیق

#### ۴-۲- نتایج برآورد

جدول شماره ۲ نتایج حاصل از تخمین مدل با تکنیک پنل پروبیت ترتیبی<sup>۱۵</sup> به روش اثرات متغیر را نشان می‌دهد. در این جدول رضایت از زندگی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است و داده‌ها (منتشر شده برای سال ۲۰۲۰) در دو بُعد *i* به منظور فرد و *id* به منظور کشور بوسیله داده‌های پنل تخمین زده شده‌اند. در تخمین‌های پروبیت و لاجیت

<sup>14</sup> Order Outcome

<sup>15</sup> Order Probit Panel

ترتیبی مقادیر ضرایب تخمین اولیه تنها نسبت رفتاری متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهند و مقادیر آنها هیچ تفسیر خاصی ندارد و به این منظور باید اثر نهایی تخمین مورد نظر محاسبه شود.

جدول ۲: نتایج حاصل از تخمین مدل به روش اثرات تصادفی

| متغیر                    | ضریب       | انحراف معیار   | سطح احتمال |
|--------------------------|------------|----------------|------------|
| بیکاری                   | -۰.۰۶۲۴    | ۰.۰۱۲          | ۰.۰۰۰      |
| تورم                     | ۰.۰۴۸۳     | ۰.۰۰۹          | ۰.۰۰۰      |
| وضعیت تاهل               | ۰.۱۳۱      | ۰.۰۵۰          | ۰.۰۰۸      |
| سطح تحصیلات              | ۰.۰۴۴      | ۰.۰۲۲          | ۰.۰۴۴      |
| جنسیت                    | ۰.۱۵۹      | ۰.۰۴۳          | ۰.۰۰۰      |
| سن                       | -۰.۰۰۱     | ۰.۰۰۱          | ۰.۳۳۲      |
| راستنمایی لگاریتم        | -۴۶۷۹.۲۶۵۵ | آماره والد (۶) | ۷۸.۱۴      |
| Trade- off بیکاری و تورم | -۰.۵       | تعداد مشاهدات  | ۴۰۰۰       |

منبع: یافته‌های تحقیق

بیکاری با رضایت از زندگی رابطه عکس دارد. اما رابطه بین تورم و رضایت از زندگی مثبت نشان داده است. دلیل این امر جایگزینی (trade- off) بین بیکاری و تورم است. به عبارت دیگر افراد با افزایش تورم به دلیل سیاست‌های دولت یا بانک مرکزی به شرط کاهش بیکاری احساس رضایت خود را افزایش می‌دهند و یا ثابت نگه می‌دارند یعنی مردم کشورهای D8 مشکلی با افزایش تورم به شرط کاهش بیکاری ندارند و از سیاست اقتصادی که منجر به کاهش بیکاری شود استقبال می‌کنند حتی اگر این سیاست اجرا شده منجر به افزایش تورم شود. ضریب جانشینی بیکاری و تورم در این پژوهش ۰.۵- محاسبه شده است. به عبارت دیگر برای مردم با افزایش تورم به اندازه یک درصد باید نرخ بیکاری این کشور ۰.۵ کاهش یابد تا میزان رضایت از زندگی فردی در این کشورها ثابت باقی بماند. همچنین با توجه به نتایج تخمین وضعیت تأهل (با توجه انتخاب مجرد به عنوان گروه پایه)، سطح تحصیلات و جنسیت (با توجه به انتخاب مردان به عنوان گروه پایه) رابطه مثبت و معنی داری دارند.

#### ۴-۳- اثر نهایی متغیرهای مدل بر رضایت از زندگی

همانطور که در بخش قبل اشاره شد برای تفسیر ضرایب مدل‌های ترتیبی اثر نهایی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته محاسبه شود. در جدول زیر ضرایب اثر نهایی برای تمامی متغیرهای مدل آورده شده است.

جدول ۳: اثر نهایی متغیرهای مدل بر میزان رضایت از زندگی

| متغیر       | اثر نهایی | انحراف معیار |
|-------------|-----------|--------------|
| بیکاری      | -۰.۰۰۰۲   | ۰.۰۰۰۱۲      |
| تورم        | ۰.۰۰۰۱    | ۰.۰۰۰۱       |
| وضعیت تاهل  | ۰.۰۰۰۴    | ۰.۰۰۰۳۱      |
| سطح تحصیلات | ۰.۰۰۰۱    | ۰.۰۰۰۱       |
| جنسیت       | ۰.۰۰۰۵    | ۰.۰۰۰۳       |
| سن          | -۰.۰۰۰۲   | ۰.۰۰۰۰۱      |

منبع: یافته‌های تحقیق

با یک درصد افزایش در نرخ بیکاری میزان میانگین رضایت از زندگی در حدود ۰.۰۲ درصد در کشورهای منتخب گروه D8 کاهش می‌یابد. در مورد ضریب متغیر تورم باید دقت کرد که با در نظر گرفتن ضریب جانشینی ۰.۵ که از تقسیم اثر نهایی بیکاری بر اثر نهایی تورم با ثابت فرض کردن رضایت از زندگی محاسبه می‌شود، بین بیکاری و تورم جایگزینی به صورت زیر اتفاق می‌افتد، با افزایش یک درصد تورم، بیکاری اگر در حدود ۰.۵ درصد کاهش یابد میزان میانگین شادی کشورهای منتخب D8 ثابت می‌ماند. با توجه به ضرایب می‌توان اشاره کرد که گروه پایه مجرد در نظر گرفته شده است بنابراین میانگین شادی در افراد متأهل در حدود ۰.۰۴ درصد از افراد مجرد بیشتر است و همچنین با افزایش هر مقطع تحصیلی به میزان ۰.۰۱ درصد بر میانگین شادی افراد این جوامع افزوده می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده با در نظر گرفتن مردان به عنوان گروه پایه می‌توان بیان نمود که میانگین رضایت از زندگی در زنان حدوداً ۰.۰۵ درصد بیشتر از مردان است. متغیر سن که به لحاظ آماری بی‌معنی است و با توجه به ضریب محاسبه شده تأثیر قابل ملاحظه‌ای در رضایت از زندگی افراد این کشورها ندارد.

#### ۴-۴- پیش‌بینی اثر سیاست پولی انبساطی بر رضایت از زندگی

نتایج تخمین بالا با توجه به واقعیت‌های موجود در کشورهای D8 براساس پرسشنامه‌های خودسنجی و درک فرد با توجه به شرایط موجود از وضعیت خود به دست آمده است. در این قسمت به پیش‌بینی رفتار افراد و میزان رضایت از زندگیشان بر اساس تغییرات ایجاد شده در میزان نرخ بیکاری و تورم بر اثر اجرای سیاست پولی انبساطی پرداخته می‌شود. در مدل‌های پرویت اثر نهایی میزان تغییرات متغیر وابسته را براساس یک واحد تغییر در میزان یک متغیر مستقل دلخواه نشان می‌دهد. فرض می‌شود بر اثر اجرای سیاست پولی انبساطی بیکاری در کشورهای منتخب به میزان ۵۰ درصد کاهش یابد و همچنین این حجم نقدینگی ایجاد شده موجب افزایش ۵۰ درصدی تورم شود. با توجه به نتایج تخمین درصد حضور افراد در هر رتبه‌ای از سطح رضایت محاسبه شده است. جدول ۵ نشان دهنده درصدهای واقعی به دست آمده از نظرسنجی و درصدهای پیش‌بینی می‌باشد. باید توجه کرد که در سال مورد بررسی فرد نظر خود را

نسبت به تورم و بیکاری به صورت مستقیم بیان نمی‌کند و فقط اعلام رضایت یا عدم رضایت از زندگی خود را اعلام می‌نماید. بنابراین بررسی این رابطه بوسیله پرسش مستقیم نمی‌باشد.

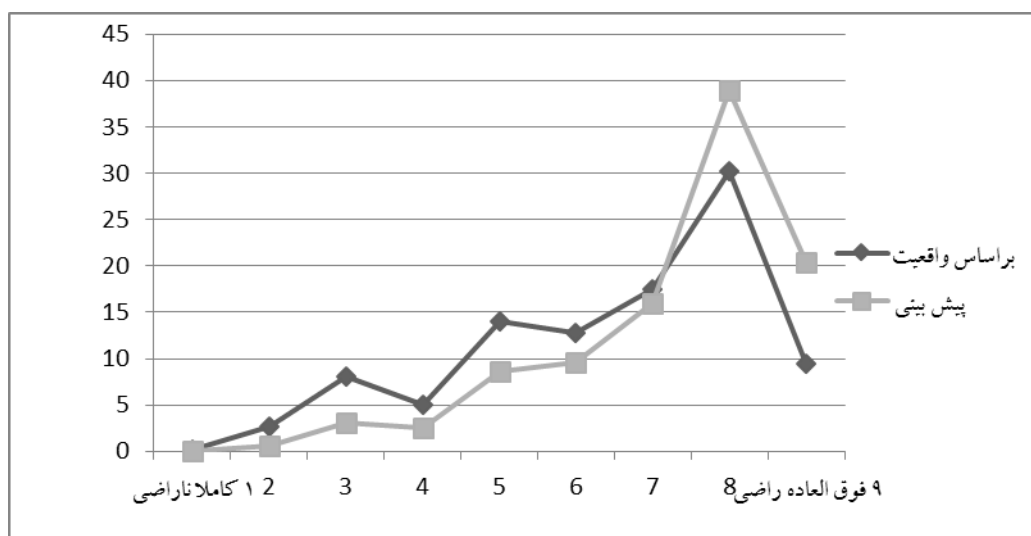
جدول ۰: میزان پیش‌بینی شده رضایت از زندگی

| سطح رضایت از زندگی     | نظرسنجی (به درصد) | پیش‌بینی (اجرای سیاست پولی انبساطی) |
|------------------------|-------------------|-------------------------------------|
| سطح یک: کاملاً ناراضی  | ۰.۱۲              | ۰.۰۱۷                               |
| ۲                      | ۲.۶۴              | ۰.۶۵۸                               |
| ۳                      | ۸.۰۸              | ۳.۱۴۸                               |
| ۴                      | ۵.۰۸              | ۲.۵۴۰                               |
| ۵                      | ۱۴.۰۸             | ۸.۵۹۳                               |
| ۶                      | ۱۲.۸۴             | ۹.۶۱۱                               |
| ۷                      | ۱۷.۵۲             | ۱۵.۹۹۵                              |
| ۸                      | ۳۰.۲۴             | ۳۸.۹۹۰                              |
| سطح ۹: فوق‌العاده راضی | ۹.۴۰              | ۲۰.۴۴۸                              |

منبع: یافته‌های تحقیق

همانطور که در جدول ۵ نشان داده شده است با کاهش بیکاری و افزایش تورم میزان درصد حضور افراد در سطوح پایین رضایت از زندگی کاهش یافته است و درصد حضور افراد در سطوح رضایت بیشتر از زندگی افزایش یافته است. این به این معنی است که مردم در جوامع کشورهای منتخب D8 به بیکاری حساسیت بیشتری نشان می‌دهند و این مطلب در نرخ جانشینی بیکاری و تورم هم نمایان بود. دلیل این امر به دلایل زیر می‌تواند باشد، اولاً اینکه ترکیب جوان جمعیتی در این کشورها به دلایل اجتماعی و اقتصادی و حتی فرهنگی به نداشتن شغل حساس‌تر است و در این حالت احساس حقارت، عدم تأمین حداقل‌های زندگی، احساس شکست آرزوها بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوماً به دلیل عدم پرداخت بیمه بیکاری که در اکثر کشورهای پیشرفته وجود دارد، فرد جوان و فاقد کار (که به احتمال زیاد فاقد درآمدهای حاصل از سرمایه می‌باشد)، در زمان انتخاب بین بیکاری و تورم، تأمین بخشی از مایحتاج را که بر اثر تورم از دست می‌دهد را بر از دست دادن کل نیازها که بر اثر بیکاری دچار خواهد شد ترجیح می‌دهد و سوماً اینکه به دلیل تجربه‌ی تورم‌های بسیار بالا در سال‌های نه چندان دور و همچنین تورم‌های به نسبت بالا در سال‌های مورد بررسی یک همزاد پنداری بین فرد و تورم به وجود آمده است و افراد این کشورها از تورم بالا ترس و شگفت زده نمی‌شوند اما بیکاری افراد را دچار دلهره و وحشت می‌کند. بنابراین می‌توان گفت با اجرای سیاست پولی اگر بیکاری و تورم به یک اندازه تحت تأثیر قرار گیرند بر میزان رضایت افراد جامعه افزود می‌شود. پس فرضیه‌ی اصلی پژوهش مبنی بر اینکه اجرای سیاست پولی انبساطی موجب افزایش رضایت از زندگی افراد کشورهای منتخب D8 می‌شود تأیید می‌شود و همچنین درباره‌ی فرضیه‌ی اول فرعی همانطور که از جدول تخمین مشخص است کاهش

بیکاری موجب افزایش رضایت از زندگی می‌شود، بنابراین فرضیه‌ی اول فرعی هم تأیید می‌شود اما درباره‌ی تورم، چون بحث جانشینی اثر تورم و بیکاری در رفاه ذهنی مطرح است به تنهایی بر تأثیر تورم بر بیکاری نمی‌توان اظهار نظر کرد بنابراین فرضیه دوم فرعی مبنی بر کاهش رضایت از زندگی با افزایش تورم بر اثر اجرای سیاست پولی را نمی‌توان تأیید یا رد کرد.



نمودار ۱: پیش‌بینی تغییر رضایت از زندگی افراد با اجرای سیاست پولی انبساطی

منبع: یافته‌های تحقیق

در نمودار ۱ درصد احتمال حضور افراد در هر سطح از احساس رضایت از زندگی محاسبه شده است. همانطور که در جدول ۵ و همچنین نمودار ۱ مشخص است با اعمال سیاست پولی انبساطی درصد احتمال سطوح پایین رضایت از زندگی کاهش می‌یابد به طور مثال برای سطح یک از ۰.۱۲ درصد به ۰.۰۱۷ درصد رسیده است و یا برای سطح نسبت ناراضی (سطح ۳) از ۸.۰۸ درصد به ۳.۱۴۸ درصد رسیده است اما در مقابل سطوح بالای رضایت از زندگی با افزایش درصد احتمال مواجه هستند به طور مثال سطح ۸ از ۳۰.۲۴ به ۳۸.۹۹ افزایش یافته است و این به معنی رضایت بیشتر جامعه از اجرای سیاست پولی است. البته باید اشاره کرد که این حالت تأیید کننده میزان موفقیت سیاست پولی نیست برای اینکه سیاست پولی اهداف خاص خود را دنبال می‌کند. در ادامه به بررسی سایر متغیرهای پژوهش می‌پردازیم و با استفاده از مطالعات قبلی و نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی بین هر یک از متغیرها و میزان رضایت از زندگی فرد می‌پردازیم.

وضعیت تاهل: همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است رابطه بین رضایت از زندگی و تاهل فرد رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار می‌باشد با توجه به اینکه گروه مبنا مجرد در نظر گرفته شده است. بنابراین با ازدواج فرد میزان رضایت از زندگی فرد افزایش می‌یابد. جنبه‌ی عاطفی و احساسی همه انسان‌ها در هر سطحی از سن و زندگی و جنسیت باعث

لذت هر فرد از روابط عاشقانه مستحکم و پردوام می‌شود. رضایت از زندگی افراد متأهل بیشتر است و این بدان علت می‌باشد که ازدواج باعث افزایش اعتماد به نفس زوجین شده و نیز افراد متأهل فرصت بهتری برای بهره‌مندی از روابط صمیمی حمایتی و با دوام دارند و کمتر رنج می‌برند.

جنسیت و شادی: در این تحقیق متغیر جنسیت به صورت دودویی سطح‌بندی شده است و گروه پایه در آن مردان در نظر گرفته شده‌اند، با توجه به ضریب موجود، زنان نسبت به مردان شادتر هستند، دلیل این امر است که به دلیل ساختار فرهنگی و مسئولیت بیشتر بر دوش مردان، آنها بیشتر در معرض مشکلات و عوامل بیرونی اقتصادی قرار داشته و رفاه ذهنی آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. البته با تغییر ساختار فرهنگی این حالت امکان دگرگون شدن دارد ولی احتمال سرعت شتابان آن زیاد نیست، به این علت که علاوه بر عوامل اجتماعی و روانی، عوامل زیستی هم در این امر تأثیرگذار می‌باشد.

سن و شادی: ضریب متغیر مستقل سن نسبت به متغیر وابسته رضایت از زندگی منفی و بسیار ناچیز است. البته ظاهراً با توجه به ویژگی‌های دوران جوانی و مقایسه آن با شرایط سنین بالاتر و پایین‌تر از آن (البته حداقل سن برای افراد این پژوهش ۱۵ سال می‌باشد که در رده‌بندی سنین در رده نوجوانان قرار می‌گیرد) انتظار رابطه منفی با افزایش سن و کاهش رضایت از زندگی بر طبق انتظار بود اما تحقیقات گذشته نیز یک رابطه‌ی U شکل برای سن و رضایت از زندگی به دست آورده‌اند، ولی ضریب بسیار ناچیز و مهم‌تر از آن بی‌معنی بودن آماری آن نیاز به بررسی دارد.

تحصیلات و شادی: در این پژوهش رابطه بین میزان تحصیلات و رضایت از زندگی مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار به دست آمده است. دلایل مختلفی بر این امر متصور است. سطح سواد پایین‌تر موجب افزایش بیکاری برای این قشر، عدم آرمان و سلامت جسمانی و روانی کمتر شده که نتیجه همه این حالات کاهش رضایت از زندگی فرد خواهد بود. همچنین مطالعات نشان می‌دهد افزایش سطح سواد عمومی موجب افزایش درآمد ملی می‌شود و این امر تا سطح معینی موجب افزایش رضایت از زندگی فرد می‌شود. از طرفی دیگر این یک امر پذیرفته شده است که افراد تحصیل کرده قادر هستند کارهای عمومی خود را بهتر انجام دهند و با اعتماد به نفس بیشتر به امور روزمره خود بپردازند که این موجب افزایش رفاه ذهنی افراد می‌شود.

## ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

همانطور که در جداول بالا نشان داده شده است با کاهش بیکاری و افزایش تورم میزان درصد حضور افراد در سطوح پایین رضایت از زندگی کاهش یافته است و درصد حضور افراد در سطوح رضایت بیشتر از زندگی افزایش یافته است. این به این معنی است که مردم در جوامع کشورهای D8 به بیکاری حساسیت بیشتری نشان می‌دهند و این مطلب در نرخ جانشینی بیکاری و تورم هم نمایان بود. این امر به دلایل زیر می‌تواند باشد:

- ترکیب جوان جمعیتی در این کشورها به دلایل اجتماعی و اقتصادی و حتی فرهنگی به نداشتن شغل حساس تر است و در این حالت احساس حقارت، عدم تأمین حداقل‌های زندگی، احساس شکست آرزوها بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- به دلیل عدم پرداخت اعانه بیکاری که در اکثر کشورهای پیشرفت وجود دارد، فرد جوان و فاقد کار (که به احتمال زیاد فاقد درآمدهای حاصل از سرمایه می‌باشد)، در زمان انتخاب بین بیکاری و تورم، تأمین بخشی از مایحتاج را که بر اثر تورم از دست می‌دهد را بر از دست دادن کل نیازها که بر اثر بیکاری دچار خواهد شد ترجیح می‌دهد.
- به دلیل تجربه تورم‌های بسیار بالا در سال‌های نه چندان دور و همچنین تورم‌های به نسبت بالا در سال‌های مورد بررسی یک همزاد پنداری بین فرد و تورم به وجود آمده است و افراد این کشورها از تورم بالا ترس و شگفت زده نمی‌شوند اما بیکاری افراد را دچار دلهره و وحشت می‌کند. بنابراین می‌توان گفت با اجرای سیاست پولی اگر بیکاری و تورم به یک اندازه تحت تأثیر قرار گیرند بر میزان رضایت افراد جامعه افزود می‌شود.
- با توجه به اهمیت تحقیقات و نتایج علمی در اتخاذ تصمیمات و همچنین کاهش میزان ریسک در اجرای سیاست‌های مختلف با اطلاع از عواقب منفی و تمرکز بر رشد نتایج مثبت آن بوسیله اطلاعات به دست آمده از پژوهش‌های علمی و به دلیل اینکه نوع تحقیق حاضر از نوع کاربردی است، در این بخش به ارائه چند توصیه‌ی سیاستی اقدام می‌شود.
- با توجه به رابطه منفی بیکاری و رضایت از زندگی افراد به دلایل مختلف مطرح شده توصیه می‌شود توجه جدی در اجرای سیاست‌های مختلف و بودجه‌ی سنواتی به حل این معضل اجتماعی و اقتصادی انجام پذیرد.
- با توجه به نرخ جانشینی منفی بین بیکاری و تورم در هنگام اجرای سیاست پولی انبساطی توصیه می‌شود بیشتر سیاست‌ها در جهت حل بیکاری قرار گیرد حتی اگر به تورم بالاتر منجر شود.
- به دلیل رابطه‌ی مثبت تأهل و رضایت از زندگی، توصیه می‌شود اقدامات حمایتی و فرهنگی لازم جهت افزایش رغبت به ازدواج در بین افراد جوامع کشورهای D8 انجام گیرد. در کشور ایران بر طبق اعلام سازمان ثبت احوال آمار ازدواج رشد کمی را تجربه می‌کند که دلایل اقتصادی و فرهنگی مختلفی بر آن شمرده شده است.
- با توجه به رابطه مثبت تحصیلات با رضایت از زندگی توسعه زیر ساخت‌ها و ایجاد امکان بیشتر بر ادامه تحصیل توصیه می‌شود.

## ۶- منابع

- جلیلی کامجو، سید پرویز و نادی، یونس (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به ارزیابی رابطه بین نابرابری درآمد و نابرابری شادی، مطالعه موردی: ایران، نشریه علمی سیاستگذاری اقتصادی، سال یازدهم، شماره بیست و یکم، صص ۷۹-۱۰۱.
- خورسندی، مرتضی و عزیزی، زهرا (۱۳۹۴)، برآورد آستانه تأثیر بیکاری بر شادی، سیاستگذاری پیشرفت اقتصادی، سال سوم، شماره ۷، صص ۶۰-۷۹.
- خورسندی، مرتضی و علی بابائی، نسترن (۱۳۹۵)، بیکاری بدتر است یا تورم؟ مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۱-۲۴.
- دهقانی، حمید، اکبرزاده، فاطمه، خوش فر، غلامرضا و ربانی، رسول (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی بر شادی جوانان؛ راهبرد فرهنگ، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۱۶۰-۱۸۴.
- زروکی، شهریار، یوسفی بارفروشی، آرمان و مهدی کارنامی، یاسر (۱۳۹۹)، اثر شکاف نرخ ارز و نامتقارنی تورم و بیکاری بر نابرابری درآمد در ایران، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال هفتم، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۴۸.
- گودرزی، الهان، مرادی، قباد، خسروی، اردشیر، اسماعیل نسب، نادر، نوری، بیژن، دل پیشه، علی، قادری، ابراهیم و روشنی، دائم (۱۳۹۷)، بررسی وضع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در رضایت از زندگی در زنان ۱۵-۵۴ سال در ایران، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۰۵-۱۱۵.
- محمدزاده، پرویز، حسین اصغری‌پور، امید منیعی (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۸، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۵۸.
- مجاوریان، سید مجتبی (۱۳۹۳)، بررسی رابطه‌ی بین محدودیت‌های مذهبی، رضایت از زندگی و رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه، ۵ (۱۷)، صص ۱۲-۲۲.
- میکائیلی، جعفر، خورسندی، مرتضی و همایونی، فاطمه السادات (۱۳۹۸)، بررسی نقش عوامل - اقتصادی مؤثر بر شادی (مطالعه موردی جمعیت فعال شهر تهران)، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱-۴۱.
- منصف، عبدالعلی، معلمی، مژگان، بیابانی، جهانگیر، نجاتی، مهدی و طاهری‌زاده اناری‌پور، جواد (۱۳۹۸)، بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل، فصلنامه علمی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال نهم، شماره سی و ششم، صص ۱۵-۳۴.



- Agan, Y., Sevinc, E. & Orhan, M. (2016), Impact of Main Macroeconomic Indicators on Happiness. *European Journal of Economic and Political Studies*, 2(2), 13-21.
- Blanchflower, D. G., D. N.F., Bell, Montagnoli, A. and Moro, M. (2014), the Happiness Trade-Off between Unemployment and Inflation, 6(52), 117-141. <https://doi.org/10.1111/Jmcb.12154>.
- Chen, W.H and Hou, F. (2018), the Effect of Unemployment on Life Satisfaction: A Cross-national Comparison Between Canada, Germany, the United Kingdom and the United States, *Applied Research in Quality of Life*, 14, 1035–1058.
- Graafland, J. and Lous, B. (2018), Economic Freedom, Income Inequality and Life Satisfaction in OECD Countries, *Journal of Happiness Studies*, 19, 2071-2093.
- Harbi, S. & Grollea. G. (2012), does self-employment contribute to national happiness, *The Journal of Socio-Economics*, 41, 670– 676.
- Li, B. & Lu, Y. (2009), Happiness and Development: The Effect of Mental Well-being on Economic Growth. Conference on Improving the Human Destiny. 11-12 June 2009.
- May, D. (2007). Determinants of Well-Being, Newfoundland and Labrador Statistics Agency, [www.budgaultonphotography.com](http://www.budgaultonphotography.com).
- Ouardighi, J.E. and Munier, F. (2019), Inflation, Unemployment and Happiness: empirical evidences of the contribution of Economic Growth, *Bureau d'Économie Théorique et Appliquée*, 1-24.
- Ruprah, I. J. & Luengas, P. (2011), monetary policy and happiness: Preferences over inflation and unemployment in Latin America. *The Journal of Socio-Economics*, 40(1), 59-66.
- Shen, J. and Kogan, I. (2020), Job Loss or Income Loss: How the Detrimental Effect of Unemployment on Men's Life Satisfaction Differs by Immigration Status, *Front Sociol*, 5(10), doi: 10.3389/fsoc.2020.00010, 1-15.